

«مطالعه جغرافیای بیماری های دام، طیور و آبزبان در ایران، (دکتر علی اسلامی)،

قسمت اعظم گزارشهای موجود در باره بیماری های دامی از زمان فعالیت نسبتاً رسمی تشکیلات دامپزشکی در ایران از سال ۱۳۰۸ تاکنون در باره گوسفند و بز و گاو می باشد و در باره بیماریهای عفونی سایر حیوانات مانند گاو میش، شتر، گوشتخواران و تکسمی ها مطالعات کمتری انجام گرفته است. در سالهای اخیر بیماریهای عفونی طیور نیز مورد توجه واقع شده است. گردآوری اطلاعات موجود در باره بیماریهای عفونی دام ها که از نواحی جغرافیایی مختلف ایران گزارش شده اند و مدون کردن این اطلاعات برای آشنایی دکترا دامپزشک که هر از چند گاهی از یک اداره دامپزشکی به اداره دیگر منتقل می شوند و با بیماری های موجود در یک منطقه آشنایی ندارند بسیار بالارزش است. این اطلاعات می تواند برای برنامه ریزان در سطح ملی و بین المللی از جمله کشورهای همسایه نیز مورد استفاده قرار گیرد و کار اطلاع رسانی به سازمان ذیربط را آسان سازد و با توجه به اینکه تعدادی از بیماری ها بین حیوانات و انسان مشترک هستند بخشی از این مجموعه می تواند در برنامه ریزی سازمان های بهداشتی نیز مورد استفاده قرار گیرد و در صورتی که در باره برخی از بیماری ها خلاء اطلاعاتی وجود داشته باشد، با برنامه ریزی قبلی، مطالعات لازم جهت دستیابی به اطلاعات مورد نظر انجام گیرد. ضمناً وجود چنین مجموعه ای از دوباره کاری پژوهشی جلوگیری بعمل خواهد آورد.

در این پژوهش، تعیین جغرافیای بیماریهای دام در ۷ استان شمالی کشور نشان داد اگر چه میزان اطلاعات منتشر شده در باره آلودگیهای کرمی نشخوارکنندگان بیش از سایر حیوانات و طیور است ولی در این مورد هم در بسیاری از موارد اطلاعات دقیق وجود ندارد. بطور کلی اکثر اجرام انگلی با میزبان خود به نوعی سازش و همزیستی دست یافته و کمتر موجب مرگ میزبان خود می شوند چه در این صورت خود از میان خواهند رفت بنابراین در اکثر موارد آلودگی انگلی منجر به فرم تحت درمانگاهی می شود که حتی دکترا دامپزشک هم جز به مدد آزمایشهای پاراکلینیکی قادر به تشخیص آن نیستند، در حالی که خسارت اقتصادی ناشی از این فرم آلودگی بسیار زیاد است. بنابراین در اکثر موارد نمی توان به آلودگی ناشی از این انگلها کلمه بیماری (Disease) اطلاق کرد و بهتر است از کلمه عفونت یا آلودگی (infection) استفاده کرد؛ زیرا آلوده بودن به انگل دلیل بیمار بودن نیست. در تعیین جغرافیای بیماریها و آلودگیهای انگلی وجود انگل در یک منطقه جغرافیایی باید به این منظور تعیین گردد تا سازمانهای مسئول ذیربط (سازمان دامپزشکی، دانشکده های دامپزشکی، انستیتوهای تحقیقاتی و دکترا دامپزشک شاغل در بخش دولتی و خصوصی) در باره اهمیت آنها اطلاعات لازم را کسب نمایند و این مهم امکان پذیر نیست مگر آنکه پس از تأیید وجود یک آلودگی یا یک بیماری انگلی در منطقه مورد نظر بررسی اپیدمیولوژیکی در باره آن صورت گیرد و جنبه های مختلف آن از قبیل مشخصات جرم آلوده کننده، تأثیر آن جرم بر میزبان یا میزبانهای آلوده، تأثیر عوامل جوی، سن و جنس بر آلودگی و وجود نقش میزبانهای واسطه ناقلین یا حامل مشخص گردد و در این صورت می توان نسبت به کنترل، پیشگیری و یا ریشه کنی یک آلودگی و یا بیماری اقدام نمود. یکی از جنبه های مثبت بررسی حاضر تولید اطلاعاتی است که نشان می دهد دامهایی که در نواحی جغرافیایی مختلف زندگی می کنند چه آلودگی دارند و مهاجرت آنها به نواحی همجوار که علی الاصول طبق یک برنامه منظم سالیانه صورت می گیرد چه تأثیری بر آلودگی مراتع مشترک آنها دارد و راه یا راههای مبارزه با آنها در برنامه های مربوط گنجانده شود.

بی شک نشخوارکنندگان بویژه گوسفند و بز که نقش مهمی در اقتصاد روستایی و ملی دارند در این میان از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. این گروه از حیوانات به دلیل چرای آزاد در معرض آلودگی به انواع انگلها هستند. در این بررسی آلودگی به نماتودها، سستودهای لوله گوارش از تمام نواحی مورد مطالعه گزارش شده است. از میان انگلهای کبدی فاسیولا، دیکروسلیوم و

کیست هیداتیک در هر هفت استان کشور وجود دارند. ابتلای نشخوارکنندگان کوچک و بزرگ به انواع تک یاخته های خونی و انگلهای خارجی با حضوری گسترده، از همه استانها و از همه نشخوارکنندگان گزارش شده است ولی در این گروه از حیوانات ابتلای به پارامفیسستومیازیس که بر اثر آلودگی با چند گونه مختلف آمفیسستوم صورت می گیرد با ابهامات زیادی همراه است. در بسیاری از استانها علی رغم شواهد مختصر در باره آلودگی در مورد آن یا اصلاً اطلاعاتی وجود ندارد یا اطلاعات موجود بسیار مختصر است. اورنیتوبیلاریا ترکسانیکم که در محدوده معین ۷ استان و در یکی از آنها (مازندران) با دو همه گیری موجب ابتلا و مرگ و میر تعداد زیادی دام شده است در استانهای دیگر حتی در باره وجود آن اطلاعی در دست نیست. در استان مازندران قبل از دو همه گیری نیز آلودگی این انگل مورد توجه نبود و کانونهای خفته به کانونهای بیمارزا با تلفات تبدیل شدند ابتلاء دامهای منطقه به توکسوپلاسموز و کریپتوسپوریوزیس و دو بیماری یا آلودگی تک یاخته ای لوله گوارش که با سقط جنین و اسهال دامهای مبتلا همراه است یا مشخص نشده یا به اشاره وجود آنها مورد توجه قرار گرفته است. هر دو انگل علاوه بر آنکه بین انسان و دام مشترک هستند می توانند خسارت اقتصادی فراوانی ایجاد نمایند. ابتلای دامها به کنه ها، جربها و شپش ها اگر چه گزارش شده است ولی اهمیت آنها در هیچیک از مناطق ۷ گانه مورد بررسی قرار نگرفته است. کنه ها که ناقل تک یاخته های خونی هستند باید مورد توجه جدی قرار گیرند زیرا علی رغم آنکه در تعدادی از ۷ استان وجود تیلر یا لستوکاردی تک یاخته خونی که موجب بره کشون می شود و به همین نام نیز معروف است مورد تأیید قرار گرفته است ولی شواهد کافی از جمله عدم وجود میزبان واسط مناسب در آن مناطق نمی تواند این تأیید را کاملاً مثبت تلقی کند مگر آنکه کنه دیگر و جدیدی نقش میزبان واسط را دارد که در بررسیهای آینده باید به این مهم پرداخته شود.

مطالعات انجام گرفته در مورد سایر حیوانات منطقه از قبیل تک سمیها گوشتخواران و طیور بسیار ناقص است، تک سمی ها نقش مهمی در حمل و نقل بار و افراد، شخم زدن زمین و بارور کردن زمین با مدفوع خود دارند و نقش آنها در اقتصاد روستایی قابل توجه است. اطلاعات مستند موجود در باره آلودگی یا بیماریهای انگلی آنها در حد صفر می باشد. گوشتخواران بویژه سگ و گربه کاملاً با محیط زندگی انسان در تماس نزدیک هستند. سلامت این حیوانات بویژه سگ گله که یکی از ابزارهای مهم در حفظ گله های گوسفند و بز است باید مورد توجه قرار گیرد. ضمناً نقش گربه در شیوع توکسوپلاسموز، بیماری خطرناکی که موجب سقط جنین در انسان و در

انسان	و	دام
-------	---	-----

می شود و نقش نماتودهای سگ (توکسوکارا کانیس و ...) در آلوده کردن انسان و اهمیت سستودهای این حیوان بویژه اکینووکوکوس گرانولوزس در ایجاد کیست هیداتیک در انسان و حیوانات علفخوار اگر چه ارزش آلودگی به آنها در کلیه استانها مورد توجه بوده است ولی اپیدمیولوژی این انگل و راههای مبارزه با آن که خطرناکترین بیماری مشترک بین انسان و حیوانات را تولید می کند نیازمند بررسیهای زیادتری است.

در باره آلودگی طیور بومی به انواع انگلها اگر چه مطالعات بسیار مختصری در حد پایان نامه صورت گرفته است ولی اهمیت این آلودگیها روشن نیست. جنبه های مختلف کوکسیدیوز طیور بومی بویژه طیور صنعتی که بنظر می رسد فرم تحت درمانگاهی آن در گروه اخیر خسارت بسیار زیادی ایجاد می کند بهیچوجه روشن نیست و با بررسی دقیق تر انگلها، آلودگیها یا بیماریهای انگلی که از نظر اقتصادی و بهداشتی و ایجاد بیماری مشترک اهمیت دارند نه تنها می توان برای فرآورده های دامی برنامه ریزی نمود و سبب ارتقاء وضعیت اقتصادی روستائیان به تبع آن اقتصاد ملی گردید، از بروز بیماریهای مشترک هم می توان جلوگیری نمود. بررسیهای انجام گرفته نشان داده است کوکسیدیوز طیور می تواند باعث مرگ صد درصد طیور یک گله و کوکسیدیوز نشخوارکنندگان موجب کاهش ۲۸ پشم و ۱۵ وزن بره ها شود (پولاک ۱۹۶۸) در بررسی مشابهی در ایران آلودگی گوسفندان با کرمها لوله گوارش موجب کاهش ۲/۵ کیلوگرم وزن در دامهای آلوده (اسگرمن و همکاران ۱۹۶۱) گردید. آلودگی با فاسیولا یکی

از انگلهای کبد موجب کاهش ۲/۵ کیلوگرم از وزن حیوانات مبتلا گردید (اسلامی، گزارش منتشر نشده) بر اساس ارزیابی سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی (FAO) (۱۹۶۶) خسارت اقتصادی ناشی از آلودگیهای انگلی در کشورهای پیشرفته معادل ۲۰-۱۵ درصد کل تولیدات دامی، در کشورهای با ارائه خدمات کمتر ۴۰-۳۰ درصد تولیدات دامی و در مناطقی که آلودگی جدی با آلودگیهای انگلی صورت نمی گیرد خیلی بیش از این ارقام است. ایران جزء گروه دوم طبقه بندی می شود. هفتاد و پنج درصد مردم جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند و صاحب ۶۵ درصد حیوانات اهلی هستند در حالی که فقط ۳۰ درصد گوشت جهان را تولید می کنند. در سال ۱۹۷۰ در اروپا (بدون شوروی سابق) از هر هزار هکتار زمین مفید کشاورزی ۳۸۰۸۵ کیلوگرم پروتئین در آمریکای لاتین ۴۱۱۳ کیلوگرم و در آفریقا از همین مقدار زمین ۵۴۳ کیلوگرم پروتئین تولید می گردید. بخشی از این اختلاف و کمبود مربوط به نحوه مبارزه با بیماریهای انگلی است (بلر ۱۹۷۷) باید کوشش کرد تا با کمک همه دست اندرکاران دامپزشکی و با استفاده از اطلاعات موجود و سایر اطلاعات و امکانات به سطح قابل رقابت با کشورهای رسید که آلودگیهای انگلی دامها حداقل خسارت اقتصادی و بهداشتی را بوجود می آورد.